

خاطرات

آیت الله پسندیده

(گفته‌ها و نوشته‌ها)

یادها - ۹

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

واحد خاطرات

پسندیده، مرتضی، ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵.

خاطرات آیت‌الله پسندیده (گفته‌ها و نوشته‌ها) / تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۴، ۳۱۲ ص.؛ مصور. (یادها: ۹)

ISBN: 964 - 335 - 736 - 8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیچا.

نمایه.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ - ۱۳۶۸. -- دوستان و آشنایان -- -- خاطرات -- خاندان، ۲. پسندیده، مرتضی، ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵. -- خاطرات، ۳. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷. -- خاطرات، ۴. روحانیت -- ایران -- -- خاطرات. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - واحد خاطرات. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۰۹۲

DSR ۱۵۳۳/۵ / پ ۵۱۳

م ۸۴ - ۳۵۶۳

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۹۳۲



□ خاطرات آیت‌الله پسندیده (گفته‌ها و نوشته‌ها)

○ ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

○ لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

○ چاپ اول: ۱۳۸۴

○ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

○ قیمت: ۲۰۰۰ تومان

خیابان انقلاب بین فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی تلفن: ۶۴۰۴۸۷۳، دورنگار: ۶۴۰۰۹۱۵

خیابان انقلاب تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱ تلفن: ۶۷۰۱۲۹۷

خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲

حرم مطهر حضرت امام خمینی (س) ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳ تلفن: ۵۲۰۳۸۰۱

کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: info@inam-khometni.org

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	سخن ناشر
ج	پیشگفتار
ذ	مقدمه

بخش اول: سیمای خمین

۳	فصل اول: اقتصاد خمین
۳	نظام معیشتی و اجتماعی خمین و ایران در اواخر قاجاریه
۷	نظام مالیاتی و امنیتی و حکومتی آن زمان
۸	برخی آداب اجتماعی مردم خمین
۱۱	فصل دوم: اقتدار خوانین در دوره قاجاریه
۱۱	امیر مفخم بختیاری (و خاطراتی از آن زمانها)
۱۷	دیانت امیر مفخم و اطرافیانش
۱۸	مجتهد ملتزم رکاب و مأمور جلوگیری از سبیت امیر مفخم
۲۰	جنگ امیر مفخم با یکی از خوانین منطقه و موضع سایر خوانین
۲۲	بیم خوانین و روحانیان منطقه از امیر مفخم و رفتارهای امیر با آنان

۲۶.....	مالکیت باغ امیریه
۲۷.....	محمد علی شاه، علیه مشروطیت
۳۰.....	جنگ امیر مفخم با سالارالدوله
۳۱.....	باز هم درباره امیر مفخم
۳۲.....	وساطت امیر مفخم نزد رضا شاه و عزل او
۳۷.....	پی نوشتها

بخش دوم: شرح حال خاندان ما

۴۱.....	فصل اول: شرح حال خاندان ما
۴۱.....	جد اعلای ما
۴۱.....	پدر بزرگ ما
۴۳.....	ازدواج و فرزندان سید احمد هندی
۴۷.....	درگذشت سید احمد هندی
۴۸.....	فرزندان مرحوم سید احمد هندی
۴۸.....	۱. مرحوم سید مرتضی (معروف به سید آقا)
۴۹.....	۲. سید مصطفی (پدر ما)
۵۰.....	۳. سلطان خانم
۵۲.....	۴. آغا بانو خانم (متولد پنجشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۲۷۲ قمری)
۵۴.....	۵. صاحب خانم
۵۷.....	خاندان مادری ما
۵۹.....	شرح حال خاله‌های ما
۶۱.....	شرح حال مادرمان
۶۲.....	شرح حال دامادها
۶۲.....	سید محمد کمره‌ای داماد پدر ما

بی‌قانونی‌های پیش از مشروطه..... ۶۶

پی‌نوشتها..... ۶۹

فصل دوم: پدر ما و خانواده‌ایشان..... ۷۱

شرح حال پدر ما و شهادت ایشان..... ۷۱

تحصیلات علمی پدر..... ۷۱

مراجعت پدر به خمین..... ۷۲

همسر و فرزندان سید مصطفی پدر ما..... ۷۲

فرزندان مرحوم سید مصطفی..... ۷۳

درآمد و معیشت..... ۷۴

خطر راهزنان و اشرار در منطقه و پناه گرفتن مردم نزد علما..... ۷۶

ستمگری حاکمان و خوانین و رقابت‌های محلی آنان..... ۷۸

اصطکاک سید مصطفی با خوانین..... ۷۸

مناسبات حاکم و خوانین قلعه خمین..... ۷۹

برخوردهای سید مصطفی با حاکم خمین..... ۸۰

سفرهای سیاسی سید مصطفی به تهران..... ۸۱

آخرین سفر سید مصطفی..... ۸۱

بازتاب شهادت سید مصطفی..... ۸۳

پیگیری‌های خانواده شهید برای دستگیری قاتلان..... ۸۳

چگونگی دستگیری قاتلان سید مصطفی..... ۸۴

پیگیری خانواده شهید برای قصاص و سفر به تهران..... ۸۶

مجازات قاتل..... ۸۸

مدتی که در تهران بودیم..... ۸۹

چگونگی بازگشت ما به خمین..... ۹۲

آغاز زندگی عادی ما در خمین..... ۹۳

پی‌نوشتها..... ۹۵

۹۹.....	فصل سوم: فرزندان آیت‌الله سید مصطفی موسوی
۹۹.....	زندگانی من (پسر ارشد سید مصطفی)
۱۰۰.....	ماجرای حکومت (حاکم) خمین
۱۰۴.....	سفر من و برادرم نورالدین به اصفهان برای تحصیل
۱۰۶.....	نحوه گذران معیشت در اصفهان
۱۰۶.....	نخستین مجلس مشروطه و انتخابات
۱۰۷.....	اساتید ما
۱۰۹.....	جنگ بین‌الملل اول
۱۱۳.....	نحوه برگزاری انتخابات در آن زمانها
۱۱۵.....	استخدام شومستر و وقایع بعد از آن
۱۲۰.....	دکتر میلیپو در ایران
۱۲۱.....	خاتمه خدمت میلیپو
۱۲۱.....	مسافرت من به نجف اشرف
۱۲۲.....	بازگشت به خمین و ازدواج
۱۲۳.....	زندگی مرحوم نورالدین هندی
۱۲۶.....	نورالدین هندی تحت تعقیب ماموران رضاخان
۱۲۷.....	قرار نورالدین هندی به تهران
۱۲۷.....	رفتار ژاندارم‌ها با مردم خمین
۱۲۸.....	ناامنی‌ها و پیشنهاد نصب رئیس راهزنان خمین به سمت راهداری
۱۳۰.....	انتخابات دوره هفتم مجلس در خمین
۱۳۱.....	مضروب شدن آقای هندی و عیادت دو برادر
۱۳۵.....	پی نوشتها

بخش سوم: ظهور حکومت پهلوی در ایران

۱۳۹.....	فصل اول: دوره حکومت رضاخان (پهلوی اول)
----------	--

۱۳۹		اوضاع اجتماعی، سیاسی ایران در آستانه حکومت رضاخان
۱۴۰		خمین نمونه‌ای از نابسامانی‌های کشور
۱۴۷		انگلیس در تلاش طراحی کودتا علیه احمد شاه
۱۵۰		کودتای سیدضیاء و رضاخان و نقش انگلیس
۱۵۲		روابط من با سیدضیاء و ارزیابی شخصیت او
۱۵۲		تحصیل من نزد مرحوم مدرس و معاشرت با ایشان
۱۵۳		ملاقات رشديه با مدرس برای قبولاندن جمهوریت رضاخان
۱۵۶		سرکوب تظاهرات و ورود خشمگینانه سردار سپه به مجلس
۱۵۷		تصمیم به رأی عدم اعتماد به سردار سپه و عزیمت وی به رودهن
۱۵۷		دیدار سردار سپه با علما و انصراف از جمهوری و دیدار ما با سردار سپه
۱۶۰		انتخابات فرمایشی دوره هفتم مجلس در خمین
۱۶۴		کناره‌گیری تدریجی رجال صالح از حکومت رضا شاه
۱۶۶		نقش برخی از رجال دینی در تحکیم پایه‌های حکومت رضاشاه
۱۶۷		روابط نزدیک امیرمفخم با رضاشاه
۱۶۷		چگونگی قطع دوستی امیرمفخم با رضاشاه
۱۷۰		ترور اقبال‌الدوله ماکویی توسط مأموران رضاخان
۱۷۱		موضوع قانون اتحاد شکل و خلع عبا و عمامه
۱۷۳		کشف حجاب
۱۷۶		حقه الغای قرارداد دارسی
۱۷۷		منع روضه‌خوانی
۱۷۸		ماجرای مخالفت با کلاه لگنی
۱۷۹		روشهای بدنام کردن روحانیون و مخالفان در دوره پهلوی
۱۸۱		علت اختلاف نام فامیل من و برادرانم
۱۸۲		کارنامه سیاه رضا شاه و پایان کار او
۱۸۵		پی نوشتها

۱۸۹	فصل دوم: سقوط رضاخان و سلطنت محمدرضا پهلوی
۱۸۹	اشغال کشور و گرسنگی
۱۹۲	اولین انتخابات مجلس در اوایل حکومت محمدرضا شاه در خمین
۱۹۷	زندان و تبعید آیت الله کاشانی و اقدامات علما برای آزادی او
۱۹۹	اطلاع از طرح کودتایی علیه مصدق و رساندن خبر به تهران
۲۰۲	موضوعات اختلاف مصدق و کاشانی
۲۰۳	یکی دیگر از توطئه‌گران علیه مصدق و نحوه برخورد مصدق با او
۲۰۴	پشت پرده پیش از کودتای ۲۸ مرداد
۲۰۷	بعد از کودتا، دستگیری کشاورز صدر و تلاش برای آزادی او
۲۱۳	پی نوشتها

۲۱۵	فصل سوم: شرح حال مختصر حضرت امام خمینی
۲۱۶	تحصیلات
۲۱۸	ازدواج
۲۱۸	فرزندان
۲۱۹	دارائی امام خمینی
۲۲۰	گرفتاری‌های ما با حکومت شاه، در آستانه قیام امام خمینی
۲۲۲	مبارزات سیاسی امام
۲۲۳	سفر امام به اصفهان
۲۲۳	واکنش امام نسبت به کودتای ۲۸ مرداد ۳۲
۲۲۴	اصلاحات ارضی و موضعگیری امام
۲۲۵	دیدار امینی با امام خمینی و سایر علمای قم
۲۲۷	دستگیری امام
۲۳۲	پیشامد برای آقای منتظری
۲۳۳	برخورد شریعتمداری و هاشمیان
۲۳۴	بازجویی من در ساواک به اتهام ارتباط با تیمور بختیار

۲۳۸.....	تبعید امام به ترکیه
۲۴۴.....	فعالیت‌های ما در دوره تبعید امام سپس تبعید شدن خودم
۲۴۸.....	مختصری از شرح حال شهید حاج آقا مصطفی خمینی
۲۵۳.....	پی نوشتها

پیوستها

۲۵۹.....	مختصری از شجره‌نامه خاندان حضرت امام(س) به قلم حشمت‌الله ریاضی یزدی
۲۶۵.....	فهرست اعلام
۲۸۵.....	اسناد و نمونه دستخط آیت‌الله پسندیده
۲۹۷.....	تصاویر

سخن ناشر

خاطرات آیت‌الله پسندیده به پنج علت زیر، یکی از خواندنی‌ترین خاطرات و مکتوبات این آب و خاک است.

۱. خداوند اراده کرد که ایشان هفت سال زودتر از حضرت امام (س) به دنیا بیاید و نیز هفت سال دیرتر چشم ببرند. هفت سال زودتر آمدن تا جزئیاتی از تولد، محیط رشد و کیفیت رویش برادر خویش را ببیند و هفت سال دیرتر رفت تا اگر مشتاقان فرصت را مغتنم شمارند، دیدنی‌هایش را شنیدنی و نوشتنی کنند. چرا که به حسب ظاهر، حضرت روح‌الله مقدمات به دنیا آمدن خویش را ندیده و نیز به حسب ظاهر نمی‌توانسته کلیت دوران قبل از سن تمیز را تمیز دهد. اما مرتضی، برادر بزرگتر، شاهد آن دسته از حوادثی بوده که مستقیم و غیر مستقیم به امام (س) ارتباط داشته؛ ولی ایشان یا آنها را ندیده و یا اگر مشاهده کرده، پس از چندی فقط در ناخودآگاه از آنها آگاه بوده است.

اگر چه اهل تفحص با درک عمیق بار عاطفی جملات حضرت امام (س) می‌توانند دریابند که شرایط زندگی ایشان چه موضوعاتی را برای اندیشیدن ایجاب می‌کرده، اما با وسایل و ابزار ناقص تحقیقی امروز، شاید هرگز نتوانند دریابند که مصداقها چه بوده و چه عواملی آنها را در خور اندیشیدن ارتقا داده است؛ و نیز از کجا می‌توان دریافت که مهمترین حوادث زندگی یک مرد بزرگ چه بوده است؟ آیا آنچه همگان مهم تصور می‌کنند، به واقع مهم بوده و یا حوادث مهمی هست که چون برای اکثریت موضوعیت نیافته، همچنان مغفول اذهان می‌ماند؟

گاه برخی حادثه‌ها به غایت مهمند اما بدان‌جهت که در بخش پنهان هستی رخ می‌دهند، از اذهان بیرون می‌افتند. چنانکه در مستحبات شرع، عنایت ویژه‌ای به آداب همسرگزینی و توالد وجود دارد، اما کمتر کسی به این حادثه مهم می‌اندیشد که از میان میلیون‌ها سلول، کدامیک با سلولی که همسر به اشتراک گذارده در می‌آمیزد. در این مسابقه پر جنجال که کمتر بدان می‌اندیشیم، ممکن است فرزندی علیل‌الذهن زاده شود یا فرزندی که در آتیه، معلولیت‌های جهانی را علت‌یابی کند. این نیز مهم خواهد بود آنگاه که کسی از جهان جنین می‌آید، در اولین برخورد با جهان جدید، چه می‌شنود؟ نام رحمان و صلوات بر محمد (ص) و آل او، یا همه‌های در هم و بی‌معنا؟ وقتی طفلی سینه بر لب می‌گیرد، چه می‌مکد؟ شیرۀ خورده‌های آغشته به حرام، یا شیرۀ طبیعتی که از عرق جبین حاصل آمده و سهم مستمندان از آن پرداخت شده است؟ آنگاه که توان راه رفتن می‌یابد، میدانی که در آن دویدن را تمرین می‌کند، فراخ است یا تنگ؟ وقتی شامه‌اش برای بویدن حساس می‌شود، آنچه می‌بوید عطر طبیعت و بوی خوش فطرت‌های پاک است، یا بوی عفونت غرایز مهارنشده‌ی اراذل ناپاک؟ به هنگامه‌ای که ذهنش سؤال‌خیز می‌گردد، سؤال‌اتش را عاقلی شاعر و شاعری فکور با دلی پرشعف و سری پرشور پاسخ می‌گوید و او را از مشعر به رب‌الشعر می‌برد، یا بیگانه از شور و شعور و شعف، به سؤالات پیچ در پیچش، پاسخ‌های نامربوط و مورد داده است؟

در آغاز رویش مردی تأثیرگذار، رفیق راه، رنج و فقر و ناداری است، یا چنان در برخورداری از مواهب، غرق می‌باشد که اگر غریق‌نجاتی نباشد، در گرداب تمتع از خود بیگانه می‌گردد و هنگام رسیدن به دوراهی انتخاب، در میان مردم زیستن و برای آنان جان در مشت گرفتن را برمی‌گزیند، یا به کاخ راه می‌یابد و از کوخ‌نشینان روی برمی‌گرداند؟

بسیار مهم است که در ناخودآگاه یک کودک، چه کسانی برای تبریک آمدنش می‌آیند؟ تصویری که می‌گیرد، آیا در آن مردم پاک‌طینت نمود بیشتر دارند و او را به مردم خوشبین می‌سازد، یا در اشغال نامردمان است و رنگ بومش را بدبینی، تیره می‌سازد؟ آقا مرتضی هفت سال زودتر آمد تا ببیند آنچه را به پاسخ‌هایش محتاجیم، و هفت سال دیرتر آهنگ رحیل نواخت تا بگوید آنچه را گفتنی است؛ اما دریغ که دیر دانستیم

کدامین سؤالات را هیچ‌کس دیگر جز ایشان، پاسخی در خور نخواهد داشت. با این حال، خوشبختانه یادگار امام، مرحوم حاج احمدآقا، به رغم مشغولیت‌های بسیار، از این معنا غافل نبود و طی نامه‌ای از عموی خود خواست بنویسد آنچه را کمتر از آن سخن به میان آمده است؛ و آن مرحوم نیز کوتاهی نکرد و به عشق برادر، قلم بر کاغذ گذاشت. چنین است که آنچه در این کتاب گردآمده و آن را خواندنی کرده، از این حیث نیز اهمیت می‌یابد که به شرایط محیطی و ابتدای راه زندگی مردی می‌پردازد که هم‌اکنون دانستن لحظه لحظه آن برای بسیاری از مشتاقان، شوق‌آور خواهد بود.

۲. این کتاب از این حیث نیز خواندنی است که گوینده و نویسنده‌اش یک‌سویه‌نگر نبوده است. تاریخ‌نگاری رسمی، او را در قابی تنگ قرار نداده و اگرچه به اسناد به جا مانده از گذشتگان بسیار اعتنا داشته، اما اسناد را یگانه منبع ورود به کشف واقعیات نمی‌دانسته است. مشاهده مستقیم، خوب دیدن، به جزئیات پرداختن و از کل‌نگری غافل نبودن، خصیصه دیگر قائل می‌باشد. همچنین از خصایص او آنکه نگرشش به موضوعات متصلب نبود و اگر چه بی‌تحلیل نیز نبود، اما با تحلیلهای از پیش تعیین شده به موضوعات نمی‌نگریست.

۳. برخی از آنچه در این مجموعه گرد آمده دستنوشته می‌باشد و برخی را مصاحبه‌ها سامان داده، اما تا حد امکان، متن از یکدست بودن فاصله نگرفته است. پرداختن به مطالب متنوع، آن را آشفته‌منظر نکرده و ورود به برخی جزئیاتی که ظاهراً امروزه جزء موضوعات موزه‌ای شده‌اند، از زاویه‌ای نگریسته شده که آن را به امروز و فردا پیوند می‌زند.

۴. اگرچه نویسنده و مصاحبه‌شونده، به خانواده‌ای تأثیرگذار تعلق دارد، اما خود نیز کوشیده است تا دارای همت نفس شود و جزء مردان منفعل نباشد. هر چند تأثیر و سهم ایشان در ارتقای سطح بینش جامعه در تالو و پرتو کار عظیم برادر خویش کمتر به چشم می‌آید، اما او در باروری اندیشه آن اندیشمند بزرگ سهم دارد؛ چرا که وقتی پدر از دست داد، برادر را در آغوش پر مهر خویش گرفت تا یتیمی برادر، موجب محرومیت او از آموزه‌ها نگردد. در حقیقت بر برادر خویش، هم حق استادی و هم حق پدری دارد و البته در سالهای پرتپش نهضت، نقش وکیل و مشاور را به خوبی ایفا کرده است و از آن

مهمتر، استاد سابق، ارادتمندانه در جرگه یاران قرار گرفته و پس از ارتحال برادر، گنجخانه‌ای پر و پیمان بود که هر کس می‌خواست می‌توانست از آن گنجینه، بی‌رنج، آنچه را محتاج است به رایگان بگیرد.

با این حال، معلوم نیست ایشان به هر حادثه‌ای همان‌گونه نگرسته باشد که برادر؛ زیرا در این خانواده آزادی دیدن، متفاوت چشیدن، انتخاب گلهای متنوع برای بویدن و آزادی اندیشه، یک اصل بود. چنانکه حتی در اینکه هر سه برادر همگی یک نام خانوادگی داشته باشند، سنت نشد. برادری، در عین تفاوت‌های چشمگیر فکری و سلیقه‌ای؛ و مهرورزی خالصانه و بی‌ریا، در عین داشتن تفاوت نظر در برخی امور اجتماعی و سیاسی، میان آنها امری عادی بود. بنابراین ممکن است ایشان از حادثه‌ای، تصویری متفاوت از تصویر برادر خویش داشته باشد، اما هر دو در دو امر اشتراک خصلت داشتند: اول آنکه هر چه را می‌دیدند، همان‌گونه که می‌پنداشتند، بیان می‌داشتند. دیگر آنکه اجازه می‌دادند دیگری نیز هر حادثه‌ای را آن‌گونه ببیند که ذهن و ضمیرش آمادگی دارد.

۵. خانه‌ای که مرحوم آیت‌الله پسندیده و حضرت امام(س) در آن زاده شدند، خود یک تاریخ است؛ چرا که خانه‌ای بزرگ، متصل به مدرسه، و در کنارش کاروانسرا و دارای برج و بارو بود. در دوران حیات پدر و پدر بزرگ، درب حیاط - به ضرورت کاری که آن دو عالم اجتماعی بر عهده داشتند - به روی همگان باز، و پس از شهادت آقا مصطفی به جهت وجود چنین سوابقی، ترک عادت و سنت نشد و همچنان باز ماند. بدین سبب هیچ قشری از اقشار جامعه خمین و کاروانهایی که از خمین عبور می‌کردند، در ورود به آن خانه نه تنها معنی نداشتند که گویی شهرت آن، چنان بود که هر کس گذارش به خمین می‌افتاد و بدانجا نمی‌رفت، باید برای توجیه نرفتن، دلیل و علتی می‌تراشید.

به سبب رفت و آمدهای بسیار مردم از هر قشر و صنف و طبقه‌ای به آن خانه، تمام اهل آن همواره اجتماعی ماندند و به تمام موضوعاتی که در کشور می‌گذشت، حساسیت نشان می‌دادند. آقا مرتضی، پسر بزرگ این خانواده، اگر چه دوران نوجوانی را طی می‌کرد اما توجهی که به طور سنتی از سوی جامعه به پسر بزرگ بیشتر می‌باشد، باعث شد که به رغم نوجوانی او در میان اهل سیاست و موضوعات اجتماعی، محور قرار

گیرد. به عبارت دیگر، وقتی پدر شهید شد، امام خمینی (س) هنوز پنج ماهه نشده بودند و بیشتر در کانون محبت مردم قرار داشتند. به همین جهت می توان گفت تا دوران نوجوانی امام (س)، برادر بزرگتر رابط بین خانه و بیرون از خانه محسوب می شد و مشاهدات و خاطرات ایشان از این حیث که گوشه هایی از وضعیت زمانه دوران کودکی و نوجوانی امام (س) را نیز روشن می سازد، اهمیت می یابد و خواندنی تر می شود.

خوف آن می رود عللی که برای اهمیت این کتاب در ارتباط با حضرت امام (س) بیان گردید، برای عده ای استقلال شخصیت مرحوم آیت الله پسندیده را کمرنگ سازد. حال آنکه ایشان خود یک شخصیت مستقل بودند و خاطرات و مکتوباتشان همانند هر کتابی از این نوع، بالاستقلال دارای اهمیت می باشد. مهمتر آنکه معلوم نیست هر آنچه ایشان دیده اند و تصویری که از موضوعات مختلف ارائه داده اند عیناً همان تصویری باشد که حضرت امام (س) در ذهن داشته اند؛ زیرا امام خمینی (س) در مشهورات تاریخ نیز دارای ظریف بینی های مختص خود بودند که حتی می توان گفت به مشهورات به عنوان مسلمات نمی نگرستند و بالطبع ممکن است دو برادر هر حادثه ای را از دو زاویه نگرسته باشند.

نکته دیگر آنکه این کتاب از خاندان آغاز می شود و تا حوادث قبل از انقلاب امتداد می یابد و اگر به مناسبتی، موضوعی به پس از انقلاب ربط می یابد، امری استثنایی است. رسم پسندیده ای است که از کسانی که در عرضه یک اثر به جامعه سهم و نقشی دارند، با ذکر نام و مسئولیتی که بر عهده گرفته اند، تقدیر گردد؛ اما چون کسانی که در پدید آمدن این اثر نقش داشته اند کم نبوده اند، و نیز برخی تصور می کنند که ذکر نامشان از اجرشان می کاهد، بی ذکر نام از همگان تقدیر می گردد.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

واحد خاطرات

پیشگفتار

سنت زندگینامه‌نویسی و نگارش خاطرات درباره خود، بزرگان و اکابر جامعه، قدمتی دیرینه و ماندگار در ضمیر تاریخ دینی کشورمان دارد. این سنت، اگرچه از قدیم‌الایام به شیوه‌ای شفاهی بوده، اما تدریجاً رنگ کتابت و نوشتاری به خود گرفته و به مرور زمان از غنای بیشتری برخوردار شده است. حساسیت، گرایشها و عشق و علاقه مردم این سرزمین پهناور به افراد پارسا و عارف، و نیز کسانی که در قلمرو علم و سیاست و فرهنگ تأثیرگذار و صاحب اثر بوده‌اند، همواره در محوریت اذهان و گفتارها بوده و حوادث دوران زندگی و حیات آنها مورد توجه قرار داشته است. پر واضح است که در این مسیر، هرچه نفوذ و مرتبه شخصیت‌های تاریخی از جایگاه ویژه و بالاتری برخوردار باشد، اینگونه حساسیتها از سوی جامعه، مردم و مورخان، افزون‌تر و عمیق‌تر می‌باشد.

حضرت امام خمینی (س) به عنوان شخصیتی دوران‌ساز و اثرگذار در عصر کنونی، از این قاعده مستثنا نبوده و علی‌رغم گذشت چندین سال از زمان رحلت آن بزرگوار، مکتوبات و نوشتارهای متعددی در داخل و خارج کشور ایران درباره شخصیت پر رمز و راز ایشان نگاشته شده و می‌شود، و هر کدام از روزه‌ای به تبیین و تحلیل این شخصیت تحول‌آفرین معاصر پرداخته و تاریخ زندگی حضرتش را ترسیم می‌نماید.

زندگینامه‌نویسی، علاوه بر حساسیت‌های فوق که برآمده از التفات‌های اجتماعی و مردمی است، جنبه‌های علمی و فرهنگی و سیاسی در خود نهفته دارد که عمدتاً مورد عنایت محققان، دانشمندان، نویسندگان و سیاستمداران می‌باشد. این بُعد گرچه از قلمرو

و سطح محدودتری برخوردار است، اما اهمیت و عمق بیشتری نسبت به سایر ابعاد و جوانب داشته و در حقیقت، آمیخته و عجین شده با حوادث و رویدادهای تأثیرگذاری است که در طول عمر و حیات و زندگی آن شخصیتها به وقوع پیوسته است.

از این منظر، هیچگاه نمی‌توان و نبایستی تاریخ حیات و زندگی پر برکت و پر ثمر حضرت امام خمینی (س) را در ردیف و یا در طول زندگی سایر شخصیتهای تاریخی کشورمان و یا حتی کشورهای دیگر قرار داد. اینکه امام خمینی (س) در چه خانواده‌ای متولد شده و چگونه دوران کودکی خود را به سر آورده و یا اینکه دوران نوجوانی و جوانی را نزد کدامیک از اساتید تلمذ نموده‌اند، و چگونه شد که در شهر مقدس قم رحل اقامت گزیدند، و بسیاری از «چرا»ها و «چگونه»های دیگر، جملگی از موارد و نکات پر تأملی است که به نحوی با حوادث تاریخی یکصد ساله اخیر ایران که مملو از نگرشها و نگرانیهای بحرانا و رویدادهای پرتنش بوده، آمیخته شده است. وضوحاً زندگی و حیات گرانسنگ این فقیه و عارف سیاستمدار که در عین موشکافیهای سیاسی و اجتماعی خود، وارسته و به دور از شبهه و ابهام زندگی نمودند، از ایشان اسوه و حتی اسطوره‌ای تاریخی ساخته است که بازخوانی حوادث زندگی شان حدیثی نامکرر است. همین امر سبب گردیده که آشنایان، شاگردان و کسانی که محضر آن اسوه نامدار را درک نموده‌اند، از خود حساسیت بیشتری نشان دهند و هر یک به فراخور معرفت و تجربه خویش، به بازگویی رویدادها و وقایع اتفاقیه پردازند.

حضرت آیت الله پسندیده، برادر بزرگوار و نیز بزرگتر حضرت امام، خاطرات خویش را از قبل از تولد و ولادت امام و حتی از زمان جد خانوادگی خود آغاز، و اطلاعات غنی و قابل توجهی را در خصوص پدر بزرگ و نیز سایر کسان و شخصیتها در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

حضرت آیت الله پسندیده، انگیزه خویش را از «خاطره‌نویسی» روشن شدن حقایق ناگفته و نانوشته، و نیز جلوگیری از وارونه جلوه دادن آن حقایق ذکر کرده‌اند و به گفته خودشان، خود را «مکلف» دیده‌اند که در این خاطره‌نویسی، به شرح حال پدر، جد، مادر، جده و خود و برادرها، خواهرها، عمه‌ها، عموها و غیره بر طبق اسناد، مدارک، قبالات موجود، مهرنامه و... پردازند، تا سبب روشنایی اذهان و زایش تاریکیها شده و

مردم بتوانند «غش» را از «غیر غش» تشخیص و «خالص» را از «ناخالص» جدا سازند. اهمیت خاطرات آیت الله پسندیده از آن جهت است که نامبرده، برادر بزرگتر حضرت امام و طبعاً یکی از نزدیکترین کسانی است که از کودکی در کنار امام بوده و آنچه به عنوان خاطرات خود، بخصوص از دوران کودکی و نوجوانی امام بیان داشته، متضمن دریافتی صریح و بدون ابهام از شخصیت و نظام رفتاری آن حضرت می باشد؛ و از این جهت، از ارزش و اعتبار بیشتر و بالاتری برخوردار است.

و این اهمیت آنگاه دوچندان می شود که نقش آن مرحوم را به عنوان سرپرست دوران کودکی امام مورد توجه قرار دهیم؛ سرپرستی که نقشی همانند پدر داشته و تا آخرین لحظات عمر امام عظیم الشان، مورد عنایت و احترام بی نظیر ایشان بوده است. و این در حالی است که امام همواره بر بزرگواری و صداقت و تقوای مرحوم آیت الله پسندیده تأکید داشته و حضور ایشان در خمین را بزرگترین پشتوانه برای آرامش تحصیلی خود در قم می دانستند؛ حضوری که پس از زعامت دینی و سیاسی امام و تبعید ایشان از ایران، رنگ دیگری به خود گرفته و به نیابت شرعی و مالی، و روشنی بخش چراغ بیت امام در قم تبدیل می شود. بی شک نمی توان در این مختصر، اهمیت نقش سیاسی برادر امام را چنانکه بوده است تشریح کرد؛ اما جفاست که از تقوای مثال زدنی، از خودگذشتگی و خودباوری ایشان یاد نکرد.

از کسانی که در تدوین این مجموعه تلاش نموده و زحمت کشیده اند، تقدیر و تشکر می گردد و از خداوند بزرگ توفیق روزافزون برای همگان مسألت می نمایم.